

نقش والدین در تربیت سبک دلبستگی ایمن فرزندان از دیدگاه آموزه های اسلامی و روانشناسی معاصر

مؤلفین: سلیمان یحیی زاده جلودار: عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران
فاطمه لطفی گودرزی: دبیر آموزش و پرورش

واژگان کلیدی

سبک دلبستگی ایمن

تربیت مقتدرانه

تثبیت مسئولانه



مقدمه

☞ ناتوانی کودک در برقراری پیوند دلبستگی صحیح با یک یا چند تن در سالهای اولیه زندگی با ناتوانی او در برقراری روابط فردی نزدیک در دوره بزرگسالی ارتباط دارد. وجود یا عدم وجود این رابطه و همچنین چگونگی و کیفیت این رابطه بین نوزاد و مراقب او مورد توجه بسیاری از روانشناسانی نظیر فروید، ملانی کلاین، سالیوان، اریکسون و بالبی، اینسورث قرار گرفته است؛ که به آن تحت عنوان دلبستگی پرداخته است

مقدمه

پایه و اساس تربیت مبتنی بر رهنمودهای اسلام که بر پایه فطرت و حرکت به سوی کمال است، در محیط خانواده امکانپذیر می باشد زیرا خانواده مناسبترین نظام برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، برآورده ساختن نیازهای عاطفی و تربیت سبکهای دلبستگی بین والدین و فرزندان شمرده شده (شریف قریشی، ۱۳۶۲). از ملزومات اساسی برای نایل شدن به این کارکرد مهم، سلامت خانواده است. از جمله ویژگی و ملزومات عمده خانواده سالم، داشتن روابط عاطفی زن و شوهر با همدیگر است. (صافی، ۱۳۸۸). امام صادق □ بر این گونه ارتباط با فرزند تأکید می کنند و میفرمایند: **إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ** (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶) خدا والدین را به دلیل دوستداشتن و محبت به فرزند، مشمول رحمت گسترده خود می دهد.

شکل گیری انواع دلبستگی در روانشناسی

- بر اساس نظریات بالبی دلبستگی به معنای پیوند عاطفی است که در کودکی، بین کودک و مراقب اصلی وی شکل می گیرد و بر رشد اجتماعی و احساسی کودک در کل زندگی مؤثر است (گوردون، ۲۰۰۸). الگوی دلبستگی که اولین بار توسط بالبی در زمینه رشد کودکان بکار رفت و توسط اینسورث در سال ۱۹۸۷ در سه گروه دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی و برای روابط دلبستگی بزرگسالان دنبال شد (دیتاماسو ۲۰۰۳).
- بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن آن دسته از افرادی هستند که نسبت به خود و دیگران نگرش مثبت دارند، (میکولینسر، ۲۰۱۰).
- بزرگسالان دارای سبک دلبستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بیشتر مشخص می شوند (مورلی و موران ۲۰۱۱).
- بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی دارای ویژگی هراس از نزدیکی و صمیمیت هستند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷).

نگرشهای فرزند پروری در روانشناسی

- به طور کلی از نظر روانشناسان اعتقاد بر این است که سه نگرش در مورد تربیت فرزندان در والدین هست: نگرش سلطه گری: والدینی که دارای این نوع نگرش هستند، معتقدند ضرورتی ندارد برای دستورهایی که به کودک می دهند، دلیل یا توجیهی بیاورند. آنها معتقدند باید برای فرزندانشان محدودیتهایی در نظر بگیرند.
- نگرش تملکی: این نگرش در والدینی است که معتقدند با حمایتهای افراطی از فرزندان آنها را تحت کنترل خود در آورند.
- نگرش بی اعتنایی: این نگرش باعث می شود والدین معتقد شوند نباید روی رفتار فرزندانشان کنترل داشته باشند؛ آنها از فرزندان خود انتظار ندارند که عاقلانه فکر کنند، در ضمن نسبت به فرزندان خود هیچ گونه محبت یا صمیمیتی نشان نمی دهند

نگرشهای فرزند پروری در اسلام

اسلام نگرشهای والدین را در مسیر صحیح قرار می دهد، به آنان می باوراند که فرزندان دارای حقوقی هستند و انسان دارای مقام خلیفه الهی، و مستعد اتصاف به همه کمالات است رسیدن به آنها در گرو تربیت صحیح است. تربیت صحیح در سایه نگرش مثبت به فرزندان صورت می گیرد. (کلینی ۱۳۶۷ ج ۲)

ادامه نگرشهای فرزند پروری در اسلام

والدینی که معتقدند پدر یا مادر شدن، مسئولیت الهی یا مقدس است در ایجاد ارتباط و حفظ آن به شکل مطلوب و مؤثر نقش فراوانی دارند. والدینی که دارای این نگرش باشند، معتقدند فرزندان به عنوان نعمت الهی، نزد آنان امانت هستند امام صادق(ع) می فرماید "پدر فرزند ناشایست به دلیل کارهای او سرزنش می شود" (کلینی ۱۳۶۷ ج ۲).

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که حوزه پژوهش شامل کتاب ها، مقاله ها و متون اسلامی بود، از جمله قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز نرم افزار جامع الاحادیث اخلاق، ادعیه، تاریخ، منابع گردآوری و در جهت تحقق اهداف پژوهش بررسی، توصیف و تحلیل شده است.

ابعاد و شیوه‌های فرزند پروری در روانشناسی

👉 پژوهش‌های معاصر در شیوه‌های فرزند پروری از مطالعات "بامریند ۱۹۹۱" نشأت گرفته است. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزند پروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخهای کودک به تأثیر والدین ایجاد می‌کند.

👉 علاوه بر بامریند پژوهشگران دیگر نیز برای توصیف سبکهای فرزند پروری رویکرد ابعادی داشته‌اند. سیموند (۱۹۳۹) این ابعاد را پذیرش / طرد و مسلط / مطیع دانسته است. شافر (۱۹۵۹) عشق / خصومت و اختیار / کنترل، بیکر (۱۹۶۴) گرمی / خصومت و محدود بودن / آسان گیر بودن را از ابعاد سبکهای فرزند پروری دانسته‌اند (براون و وایت ساید، ۲۰۰۷)

ابعاد و شیوه‌های فرزند پروری در روانشناسی

این چهار شیوه فرزند پروری عبارت است از: ۱. مقتدرانه ۲. مستبدانه ۳. آسان گیرانه ۴. مسامحه کارانه .

- فرزند پروری مقتدرانه: این شیوه تربیتی، محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان، زیاد است.

- فرزند پروری مستبدانه: والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و هم چنین بر فرزندان خود کنترل بسیاری به کار می گیرند.

- فرزند پروری آسان گیرانه: والدین آسان گیر نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبت نسبت به آنها زیاد است .

- فرزند پروری مسامحه کارانه: در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین سطح قرار دارد (بامریند، ۱۹۹۱).

ابعاد و شیوه‌های فرزند پروری در اسلام

در قرآن و احادیث بر سبک فرزندپروری ویژه‌ای تأکید شده است تا فرزند به درستی و براساس فطرت انسانی تربیت شود که خدا به وی عطا کرده است تا شخصیت در جنبه‌های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی به صورت هنجار رشد کند. این سبک، سبک **مسئولانه** نام دارد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند: "روش مناسب روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند پدید آورد، ویژگیهای روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه فکر بکند" (حر عاملی ۱۳۶۷).

ادامه ابعاد و شیوه‌های فرزند پروری در اسلام

پاسخ‌دهی و کنترل فرزندان در روش تربیتی مسئولانه بر محور تعادل است. بهترین پاسخ‌دهی به فرزند محبت است (طبرسی ۱۴۰۸). در بعد کنترل، تقاضاهای والدین با تواناییهای فرزندان مناسب است و به اندازه توان از آنها انتظار دارند (بقره ۲۸۶). آن چیزی که از کنترل ابزار تربیتی می‌آفریند، کنترل و سخت‌گیری در حد طاقت است نه کنترل و سخت‌گیری بیش از آن. از دیدگاه اسلام والدین خود را مسئول تربیت فرزندان می‌دانند (حرانی، ۱۴۰۴ق).

اهمیت محبت به فرزند در اسلام

محبت بعنوان اساسی ترین فاکتور در ایجاد سبکهای دلبستگی در خانواده می باشد. در خانواده ارتباط عاطفی اولیه بین والدین و فرزندان ایجاد، و انواع سبکهای دلبستگی بین والدین و فرزندان شکل می گیرد. آنچه بیشتر از ابراز محبت های مستقیم در اعتلای عواطف و احساسات کودکان مؤثر است، فراهم آوردن محیطی آرام، امن و عاری از هرگونه نزاع های خانوادگی است.

ادامه اهمیت محبت به فرزند در اسلام

وجود رابطه‌ی عاطفی و پرهیز از اختلاف و نزاع در محیط خانواده به قدری دارای اهمیت است که خداوند در قرآن کریم والدین را به حسن معاشرت و گذشت از خطاهای یکدیگر سفارش کرده و خطاب به مردان می‌فرماید: "با زنان به خوبی رفتار نمایید و اگر هم از آنان در مورد مسئله‌ای ناخشنودید، بدانید چه بسا ممکن است شما از چیزی ناخشنود باشید در حالیکه خداوند برای شما در آن خیر بسیار قرار داده است" (سوره نساء آیه ۱۱).

لزوم رعایت حد اعتدال در محبت به کودکان

➡ آنان که در مهر و نوازش فرزندان افراط می‌کنند و در مقابل خواسته‌های نامعقول ایشان سر تسلیم فرود می‌آورند، حسّ خود پسندی را در کودکان خود تقویت می‌کنند و روحیه‌ی ایستادگی و مقاومت در مقابل ناملایمات زندگی و برآورده نشدن حوائج آن از سوی دیگران را تضعیف می‌کنند. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: "بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان، از حدّ آن تجاوز می‌کنند و به زیاده و افراط کشیده می‌شوند و بدترین فرزندان کسانی هستند که تقصیر و کوتاهی در انجام وظایف، آنها را به سرپیچی از والدین بکشاند" (کلینی ۱۳۶۶ ج ۲)

نتیجه‌ی بحث

نیاز عاطفی بین والدین و فرزندان نیاز به سبک تربیتی خاصی می باشد، که در روانشناسی، سبک تربیتی مقتدرانه و در اسلام روش فرزند پروری مسئولانه می باشد.

والدین مقتدر به صورت افرادی با صمیمیت و محبت با فرزندان خود رفتار، و با ابراز محبت به فرزندان، رابطه خود را با فرزندان مستحکم می کنند. اگر چه این روش تربیتی نزدیکترین روش به روش تربیتی اسلام است، تفاوت‌هایی بین این دو روش وجود دارد. چنانکه فرزند پروری مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ دهی زیاد والدین مشخص می شود در حالی که در روش تربیتی مسئولانه در اسلام تقاضاها و پاسخ دهی بر محور تعادل است. معمولاً والدین مقتدر تلاش می کنند تا فرزندشان به اهدافی دست یابند که خود برای آنها تعیین کرده اند. درحالی که در روش مسئولانه اهدافی که خداوند برای تربیت فرزند مطرح کرده است نیز مد نظر قرار می گیرد. علاوه بر این گاهی اقتدار غیر منطقی موجب احساس طرد شدگی، پرخاشگری و افسردگی فرزندان می شود در حالی که در روش مسئولانه رفتارها و تعامل والدین با فرزندان بر ضوابط شرعی مبتنی است. در شیوه تربیتی مسئولانه فرزندان اماناتی نزد والدین هستند که هدایت و تربیت فرزند وظیفه آنها، و خداوند ناظر بر عملکرد آنهاست و باید در قیامت در برابر خداوند پاسخگو باشند

ادامه نتیجه‌ی بحث

والدین باید محبت و علاقه‌ی قلبی خود به فرزندان را بر زبان آورده و به آنها نشان دهند تا از این طریق روح تشنه‌ی آنها را از محبت خویش سیراب کرده و خانواده را به محیط امنی برای تبلور این میل پاک تبدیل سازند. در نتیجه تنها این شیوه تربیتی در خانواده است که باعث ایجاد سبک دلبستگی صحیح و ایجاد ارتباط عاطفی مناسب بین والدین و فرزندان می‌شود. عدم توجه به این مهم، روح کودکان و نوجوانان را در مقابل ابراز محبت‌های کاذب شکننده کرده و آنها را در مقابل خواسته‌های دیگران متزلزل می‌سازد. ضمن اینکه ضروری است تا در این مسیر از هرگونه افراط و محبت غیرضابطه مندی که روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری نوجوانان را تضعیف می‌کند، پرهیز نمود.



از توجه تان سپاس
گزارم